

# مخاطرات نگاه تاریخی به تشیع

مهدی خلجی

به نقل از رادیو زمانه

انتشار ترجمه‌ی فارسی کتاب «مکتب در فرایند تکامل»<sup>1</sup> نوشته‌ی حسین مدرسی طباطبایی با مجوز وزارت ارشاد دولتی که دریافتی آخرالزمانی از امام دوازدهم شیعیان دارد، بیشتر به طنز می‌ماند. بیهوده نیست که دیری از انتشار آن نگذشته، مجادلات فراوانی را در حوزه‌ی علمیه برانگیخت و نهادها و رسانه‌های نزدیک به حکومت مذهبی در ایران واکنشی قابل پیش‌بینی به آن نشان دادند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز یک‌شنبه یازدهم آذرماه نویسنده‌ی کتاب را «روحانی فاسد»ی خواند که با «فریب‌کاری شیادانه» در نوشته‌ی خود کوشیده است «اصل وجود امام زمان علیه السلام را مبهم بنمایاند».

## «مکتب در فرایند تکامل»

کتاب «مکتب در فرایند تکامل» با عنوان فرعی «نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین»، ترجمه‌ی کتاب «بحران و تثبیت در دوره‌ی تکوینی اسلام شیعی؛ ابوجعفر ابن قبه‌ی رازی و سهم او در اندیشه‌ی شیعی امامی»، است که در سال 1993 از سوی انتشارات داروین در شهر پرینستون منتشر شد.<sup>2</sup> ظاهراً هاشم ایزدپناه به زودی کتاب را در همان سال‌ها به فارسی ترجمه کرد و نسخه‌های کپی‌شده‌ی آن حتا در شهر قم دست به دست می‌گشت. اما با مجوز وزارت ارشاد، کتاب حدود دو ماه پیش به طور عمومی و رسمی منتشر شد و در صدر جدول کتاب‌های پرفروش قرار گرفت.

سعید بهمن‌پور، روحانی نزدیک به بیت رهبر جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای با ویژه‌نامه‌ی دین و مدرنیته، از نخستین کسانی بود که به این کتاب اشاره کرد و دیدگاه‌های محسن کدیور را زیر تأثیر آن دانست. از نظر آقای بهمن‌پور روش به کار رفته در کتاب «مکتب در فرایند تکامل» در ادامه‌ی سنت شرق‌شناسانی چون ایگناز گلدزیهر و ژوزف شاخت است. از نگاه این روحانی، شاخت در کتاب «مقدمه‌ای بر فقه اسلامی» می‌کوشد که ثابت کند «فقه اسلامی در یک فرایند تاریخی درست شده و اصلاً حقیقتی ندارد».<sup>3</sup>

نویسنده‌ی کتاب، حسین مدرسی طباطبایی، دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم است. وی که دارای اجازه‌ی اجتهاد است، پیش از انقلاب یکی از شاگردان مرتضی مطهری بود و به توصیه‌ی او راهی

آکسفورد شد و در زمینه فقه اسلامی با رساله‌ی «خراج در فقه اسلامی» (نشر یافته در 1983 در لندن) دکتر گرفت. وی با نوشتن کتاب‌هایی چون «درآمدی بر فقه شیعی» (1984، لندن)، «بحران و تثبیت در دوره‌ی تکوینی اسلام شیعی» (1993، پرینستون) و نیز «سنت و بقا؛ بررسی کتاب‌شناختی ادبیات شیعه‌ی اولیه» به یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌گران سنت شیعی در جهان بدل شد. وی که امسال در دانشگاه هاروارد استاد میهمان است، پژوهش‌گر ارشد مدرسه‌ی امور روابط عمومی و بین‌الملل و نیز استاد مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون در آمریکاست.

در زبان فارسی از حسین مدرسی از جمله کتابی در دو جلد با عنوان «زمین در فقه اسلامی» در سال 1362 نشر یافته است.

### نگاه تاریخی رویاروی نگرش الاهیاتی

کتاب «مکتب در فرایند تکامل»، تبیینی تاریخی از زمینه‌ی پیدایش مذهب تشیع به دست می‌دهد که آشکارا رویاروی نگرش کلامی و عقیدتی به آن می‌ایستد. در نگرش الاهیاتی به تشیع، مذهب شیعه از آغاز همین گونه بوده که امروز هست و آن صورتی از مذهب که مفسران رسمی آن ترویج و تبلیغ می‌کنند تنها شکل «راستین» و «حقیقی» آن است. در نگرش عقیدتی، داده‌های تاریخی در پرتو اعتقاد تفسیر می‌شوند و آن بخش‌هایی از روایت‌های تاریخی که با اعتقاد جاافتاده‌ی امروزی سازگار نیستند، کنار زده و حذف می‌شوند.

در نگرش اعتقادی، چیزی به نام تحول و تطور عقیده‌ها و اندیشه‌ها وجود ندارند و عقیده‌ها همان گونه که امروز هستند، زاده شده‌اند. تبارشناسی اندیشه‌ها و کاوش درباره‌ی زمینه‌های تاریخی پیدایش عقیده‌ها، در نگرش عقیدتی معنا ندارد و تاریخ سطح صاف و بی‌خش و بی‌شکاف و رشته‌ای پیوسته، بی‌هیچ گسستگی و ناهم‌بستگی، فراموده می‌شود.

ولی در نگاه تاریخی، همه‌ی اندیشه‌ها تاریخ‌مندند. هیچ کدام به صورتی که امروزه وجود داشته‌اند، در گذشته نبوده‌اند و همه چیز همواره در درون چارچوبی انسانی، و محدودیت‌هایی تاریخی پدید آمده و تغییر شکل داده است. در نگاه تاریخی، تاریخ، پر از شکاف و گسست و ناهمواری و پس‌روی و پیش‌روی است و زمین تاریخ، سنگلاخی‌تر از آن است که به عقیده‌ای مجال دهد فراتر از شرایط و امکانات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بایستد و از هیچ امری و رای خود اثر نپذیرد.

## کاربرد روش تاریخی در فهم تشیع

مدرسی طباطبایی در کتاب «مکتب در فرایند تکامل» روشی را برای تحلیل دوره‌ی تکوین تشیع در پیش می‌گیرد که یک‌سره در سنت و فرهنگ مسلط شیعی غایب است. مفسران رسمی و متألهان و متکلمان شیعه دغدغه‌ی تاریخ را ندارند و عقیده‌ها را تاریخ‌مند نمی‌بینند؛ بل که به تاریخ عقیده‌مندانه نظر می‌کنند. برای آنان، تاریخ ابزاری برای اثبات اعتقادات رسمی و راست‌کیشانه است.

در این نگرش، حتماً ثقه و عادل بودن راویان حدیث نیز با اعتقاد اثبات می‌شود؛ اگر راوی حدیثی اعتقاد به تشیع نداشته باشد، راست‌گو بودن آن در درجه دوم اهمیت است. آن چیزی از روایت‌های تاریخی برگزینی و پذیرفتنی است که در خدمت اثبات مدعیات اعتقادی باشد و گرنه باید دور ریخته یا «توجیه» شود. مثلاً اگر روایت‌های فراوانی شاهد آن باشند که شیعیان دوران اولیه مقامی مانند عصمت برای امامان خود قائل نبودند و با آنان مانند رهبری سیاسی برخورد می‌کردند، از نظر متکلمان و مفسران رسمی شیعه مقبول نیست؛ زیرا عصمت به نظریه‌ای مناقشه‌ناپذیر درباره‌ی امامان بدل شده که هیچ‌چون و چرایی در آن روا نیست. یا اگر روایت‌های پرشماری نشان دهند که اغلب شیعیان تا سده ششم هجری قرآن موجود، مصحف عثمان، را تحریف‌شده می‌دانستند و به قرآنی شیعی باور داشتند، برای مفسران راست‌کیش امروز شیعی پذیرفتنی نیست، زیرا نظریه‌ی عدم تحریف قرآن امروزه به گفتاری چیره و مسلط بدل شده است.

تاریخی‌نگری، نگاهی است که تقریباً با ریشه داشتن در اندیشه‌ی دوران روشنگری، از آغاز سده‌ی بیستم به روشی ناگزیر در تاریخ‌نگاری مقوله‌ها و ایده‌های علوم انسانی و اجتماعی بدل شد و رفته رفته در منظومه‌ی فکری علوم انسانی مدرن مشروعیت فراوان یافت. به ویژه مکتب تاریخ‌نگاری «آنال»، در تبیین روش شناختی تاریخ‌نگاری نوین، سهمی چشم‌گیر گزارد.

## امامت؛ تبیینی تاریخی

تا کنون تفسیر معنا و بنای امامت شیعی، بیشتر از نگاه اعتقادی و به دست مفسران رسمی و متألهان شیعی صورت گرفته است. کتاب «مکتب در فرایند تکامل» از معدود کتاب‌هایی است که به دست عالمی شیعی، اما با تربیتی مدرن در تاریخ‌نگاری نوشته شده است.

مدرسی طباطبایی در این کتاب شرح می‌دهد که تصور شیعیان از امام و مقام او در آغاز چگونه بود و بعدها، طی قرون نخستین اسلام و زیر تأثیر شرایط دگرگون‌شونده‌ی تاریخی، چه‌سان تحولاتی را از سر گذراند. عقیده‌ی امامت در آغاز آن شکل و شمایلی را که امروزه داراست، نداشته است.

برای شیعیان نخستین، امام کسی بود که تدبیر امر دین و دنیا در دست او بود. با این همه، علی ابن ابیطالب، امام نخستین شیعیان تنها پس از حدود بیست و پنج سال توانست قدرت سیاسی را به دست گیرد. هم‌چنین، حسین ابن علی، امام سوم شیعیان، در جنگ با یزید، خلیفه‌ی اموی کشته شد.

مدرسی در کتاب خود توضیح می‌دهد که شیعیان باور داشتند کسی سرانجام قیام خواهد کرد و داد و خون حسین را خواهد خواست و حکومت را به امام شیعی بازخواهد گرداند. روایت‌های تاریخی بسیاری هست که شیعیان از باقر و صادق، امامان پنجم و ششم شیعیان، می‌خواستند قیام کنند، اما آنان نپذیرفتند و صلاح را در قیام ندیدند، اما وعده دادند که «قائم» خواهد آمد. امام صادق، شیعیان را از هرگونه فعالیت سیاسی پرهیز داد و از آنان خواست برای تشیع تبلیغ نکنند و نیروی تازه‌نگیرند و تصریح کرد که وی «قائم» نیست.

سرباززدن به ویژه امام صادق از قیام، بسیاری شیعیان را سرخورده و مأیوس کرد. در برخی روایت‌ها، امام وعده داد که «قائم» پانزده روز پس از قتل محمد بن عبدالله النفس الزکیه، ظهور خواهد کرد. این و دست‌های دیگر از روایت‌ها نشان می‌دهند که انتظار ظهور «قائم» برای شیعیان امری موکول به آینده‌ای نامعلوم نبوده و شیعیان توقع داشتند «قائم» در عصر آنان بر حاکمان عباسی شورش کند و قدرت سیاسی را به دست امام بدهد. هم‌چنین، شیعیان در زمان امام باقر و صادق، تصویری از دوازده امام نداشتند. مدرسی طباطبایی با بررسی روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد که عقیده به دوازده امام یا تشیع اثنی عشری، باوری بود که خرده خرده و در پی تحولات تاریخی پدید آمد.

### عصمت امام و مبالغه‌گران شیعه

در باب عصمت امام، طباطبایی تبیین می‌کند که این نظریه، در اصل، ابداع هشام ابن حکم بود برای حفظ امامان از بدبینی‌های مفرط و روبه‌گسترش شیعیان درباره‌ی آنان. بسیاری از بزرگان شیعه نسبت به امام باقر و امام صادق گمان بد می‌برند و تصور می‌کردند که آنان وظیفه‌ی سیاسی مقام امامت را به درستی انجام نمی‌دهند و سکوت و سلامت را بر قیام و شورش برگزیده‌اند.

در همین دوران، جماعتی اندک از شیعیان تصویری مبالغه‌آمیز را از امام پرورش می‌دهند که بر پایه‌ی آن، امام دارای مراتب و مقاماتی مابعدطبیعی است. این جماعت که بعدها «غلاة» یا مبالغه‌کنندگان نام گرفتند در پی آن بودند که با تأکید بر مرتبت هستی‌شناختی امام، جنبه‌ی سیاسی وی را در پرده و سایه اندازند. شیعیان می‌پرسیدند اگر امام قیام نکند پس چه سودی در مقام امامت است؟ غالیان پاسخ می‌دادند امام واسطه‌ی فیض الاهی و سبب آفرینش و بقای موجودات است و «اگر امام نباشد، زمین مردمان خود را فرومی‌گیرد».

بخش عمده‌ای از کتاب در شرح شرایط تاریخی پیدایش عقاید مبالغه‌گران شیعی یا گرایش غلو در میان شیعه است. انتخاب کودک هفت ساله به عنوان امام، (امام جواد)، بدون رواج نظریه‌ای مابعدطبیعی درباره امام ممکن نبوده است. در این نظریه که مقام امامت به الوهیت برکشیده می‌شود، امام فردی غیرعادی است که مانند مسیح در گهواره‌ی خود سخن می‌گوید و رشد فیزیکی غیرمتعارف دارد و هر ماه به اندازه‌ی یک سال بزرگ می‌شود و قد می‌کشد؛ مقامی که هرگز پیامبر اسلام برای خود قائل نبود و خود را بشری مانند دیگران می‌دانست.

مدرسی طباطبایی روشن‌گری تاریخی به‌سامانی آورده است درباره‌ی تردیدهایی که شیعیان نسبت به قابلیت کودک امام رضا برای به عهده گرفتن مقام امامت داشته‌اند. شیعیان بسیاری باور داشتند که امام دانش دین را می‌آموزد و در نتیجه می‌پرسیدند که کودک خردسالی که هنوز به مقام «تفقه» و «اجتهاد» در دین نائل نیامده، چگونه می‌تواند فرقه‌ای را رهبری کند.

### پیدایش تشکیلات مالی امام

کتاب «مکتب در فرایند تکامل» شرح می‌دهد که امام باقر و صادق گرفتن مالیات دینی یا خمس را جایز نمی‌دانستند و اخذ آن را حق انحصاری «قائم» می‌انگاشتند. اما امام هفتم، کاظم، نهاد «نیابت» را بنیاد گذارد و سرانجام امام نهم، جواد، شبکه‌ای از نمایان و کارگزاران را تشکیل داد که به نیابت از امام خمس شیعیان را گردآوری کنند. دفتر مالی امام نقش مهمی در گسترش قدرت وی ایفا کرد، اما پرسش‌های فراوانی را درباره‌ی حق امام در اخذ خمس در میان شیعیان برانگیخت. بر پایه‌ی متون تاریخی، نمایان امام دهم، هادی، به امام گزارش دادند که در برابر تردیدها و پرسش‌های فراوانی درباره‌ی حق اخذ خمس قرار دارند، تا آن‌جا که شیعیان زیدی امام هادی را متهم کردند که در هر شهری، کارگزاری تعیین کرده تا خمس را گردآوری کند و «پول‌ها را برای خود صرف می‌کند به جای آن که به نیازمندان ببخشد».

در دوران امام یازدهم، عسکری، بود که تأکید بر حق امام در اخذ خمس پررنگ‌تر شد و امام عسکری خودداری از پرداخت خمس به نایبان خود را برابر با کفر اعلام کرد. با این همه، فساد مالی در میان کارگزاران بالا گرفت. بسیاری از آنان، پول خمس را برای امامان نمی‌فرستادند و در نتیجه شماری از آنان را که پیشتر معتمد و نزدیک به وی بودند، عزل کرد و خارج از مذهب تشیع دانست.

### بحران شیعه و ظهور مهدی

برآمد این شرایط، گواه بحران فزاینده‌ای در میان جماعت شیعه بود. بحران از زمانی بالا گرفت که معلوم شد امام یازدهم، با وجود داشتن زنان و کنیزان بسیار، فرزند پسر ندارد. برآورده نشدن انتظار شیعیان برای ظهور قائم و نگرانی آنان درباره‌ی آینده این فرقه، مسأله‌ی نداشتن پسر و جانشین را برای امام یازدهم به مشکلی حیاتی بدل می‌کرد. بحرانی که از دوران امام صادق آغاز شده بود، موجب شد فرقه‌های شیعی تازه‌ای مانند اسماعیلیه پدید آید و بسیاری از شیعیان نیز به مذهب اهل سنت و جماعت بگروند. خطر پراکندگی و انحلال پیروان امام عسکری را تهدید می‌کرد. در کتاب «مکتب در فرایند تکامل»، تصویر تاریخی شگفت‌انگیزی از رقابت فرزندان امامان بر سر قدرت به دست داده شده است.

عثمان بن سعید العمری، که نخست نایب مالی امام هادی و سپس سرپرست مالی امام حسن عسکری شد، نقش مهمی در رهبری فرقه‌ی شیعه بازی کرد. عثمان بن سعید از جانب بسیاری شیعیان مظنون بود به این که دستگاه مالی امام را به سود خود اداره می‌کند و حتا نامه‌هایی جعلی با خطاهای نحوی از سوی امامان برای پیروان آنان می‌فرستد. کتاب مدرسی طباطبایی نزاع میان وکیلان و نایبان مالی امامان را به تفصیل شرح می‌کند و نقش آنان را در تثبیت اعتقاد به امام و مقام وی باز می‌نماید.

امام یازدهم بدون برجای گذاشتن برادر یا پسری جهان را بدرود گفت. عثمان بن سعید در مقام مهم‌ترین وکیل امام، بی‌درنگ، اعلام کرد امام یازدهم، فرزند پسری داشته که در خفا به دنیا آمده است و هیچ کس او را ندیده و پیش از قیام وی نیز او را نخواهد دید. عثمان بن سعید به شغل خود در مقام رییس دیوان نیابت امام ادامه داد و هم‌چنان به اخذ و گردآوری خمس پرداخت. عثمان بن سعید ادعا می‌کرد که تنها او به امام دسترسی دارد و از وی دستورالعمل‌های لازم را می‌گیرد؛ ادعایی که بسیاری از شیعیان با بدگمانی آن را می‌شنیدند. آن دسته از شیعیانی که بدین عقیده گرویدند، به نوشته مدرسی طباطبایی، هرگز گمان نمی‌بردند که دوران غیبت، بسیار طولانی خواهد شد؛ زیرا همواره این تصور القا شده بود که «قائم» به زودی می‌آید و بساط حکومت عباسیان را برمی‌چیند و به شیعیان قدرت می‌بخشد.

## وجود تاریخی فرزند امام عسکری

در این دوران بود که تصور «مهدی» زاده شد؛ کسی که پیش از پایان جهان می‌آید و جهان پر ستم و ظلم را آکنده از عدل و داد خواهد کرد. «مهدی» انگاره‌ای بود که از پیش‌ترها وجود داشت، ولی هرگز کسی تصور پایان جهان را به دست فرزند پنهان‌زاده‌ی امام یازدهم شیعیان نمی‌برد. در این دوران اعلام شد که تنها چهار نایب خاص امکان دستیابی به فرزند امام عسکری را دارند و شیعیان باید تنها از طریق این چهار تن با وی ارتباط برقرار کنند. نایب چهارم، پیش از مرگ خود اعلام کرد که با رفتن وی از جهان دیگر، کسی امکان دیدار مستقیم امام دوازدهم را نخواهد داشت و دوره‌ی «غیبت کبرا» آغاز خواهد شد؛ مفهومی که تا آن زمان برای شیعیان ناشنیده و ناآشنا بود.

در حالی که هیچ تاریخ‌نگار کهن یا نوی در وجود تاریخی شخصیت‌های اسلامی و در صدر آنان پیامبر اسلام، تردید نکرده است، وجود تاریخی فرزند امام حسن عسکری از آغاز در محل تردید و پرسش بوده است. نه زمان زایش، نه نام مادر، نه زمان فرورفتن در چاه، نه زمان ظهور، هیچ یک درباره فرزند امام یازدهم مورد اتفاق و معلوم نیست. در ادبیات حدیثی درباره‌ی امام زمان و ظهور وی، تشویش‌ها و تناقض‌ها آن قدر فراوان است که حتا مورخان دوران کلاسیک تاریخ اسلام مانند ابن خلکان، نیز بدان اشاره کرده‌اند. از درون روایت‌های مربوط به مهدی و آخرالزمان، به دشواری می‌توان تصویری منسجم و یک‌دست بیرون کشید.

مدرسی طباطبایی در کتاب «مکتب در فرایند تکامل» نشان می‌دهد که چگونه ضرورت‌های سیاسی برای حفظ، بقا و تثبیت جماعت و فرقه‌ی شیعی، مفاهیمی الاهیاتی را خلق کرد و پرورد؛ چگونه مفاهیمی مانند «مهدی» در بستر زمان زاده شدند و به نیازهای فرقه‌ای مذهبی پاسخ گرفتند و نظامی از مقوله‌های عقیدتی و کلامی را به تدریج آفریدند.

## حقیقت تاریخی و روایت تاریخی

تصویر متفاوتی که حسین مدرسی طباطبایی در کتاب خود از پیدایش تشیع در سه قرن نخستین اسلام پیش می‌گذارد، «حقیقتی تاریخی» نیست؛ حقیقتی در برابر حقیقتی که متلکمان و مفسران رسمی شیعه در میان می‌آورند. کار طباطبایی، در مقام تاریخ‌نگار، تنها به دست دادن «روایتی تاریخی» است.

در الاهیات، گذشته‌ی یک مذهب، به شکل «حقیقتی تاریخی» فرانموده می‌شود؛ تصویر متألهان از گذشته‌ی تاریخی «حقیقت» کامل را درباره آن گذشته می‌گوید و به همین سبب است که چون و چرا کردن در آن تصویر به معنای مناقشه‌ی در اصول مذهب است، نه وارد شدن در کاوش و چالشی تاریخ‌نگارانه.

فرض بنیادی تاریخ‌نگار نوین، اما این است که «حقیقت» هر رخ‌داد یک بار با رخ دادن آن ظهور کرده و برای همیشه نایاب و دور از دسترس شده است. در مقام تاریخ‌نگار، تنها می‌توان روشی انتقادی را در برخورد با متن‌ها و داده‌های تاریخی پیش گرفت و روایتی منسجم و به‌سامان از آن به دست داد. روایتی که تاریخ‌نگار به دست می‌دهد، روایتی است از میان‌ها روایت‌های بالقوه بی‌شمار. تاریخ‌نگاران دیگر می‌توانند در میان آیند و با بررسی تازه‌ی داده‌های تاریخی در دسترس یا پس از دستیابی به داده‌های تاریخی نویافته، روایت تاریخی دیگری پیش کشند. هر روایت تاریخی تازه، نقدی بر روایت تاریخی پیشین است و شستن و صیقل دادن روش تاریخ‌نگاری. اما هرچه باشد نسبتی با نظام فکری الاهیاتی ندارد و هرگز نمی‌تواند مدعی فرانمایی صادقانه‌ی حقیقت قلمداد شود.

واکنش بنیادگرایان در ایران به این کتاب عجب نیست. تاریخی‌نگری دشمن تعصب است. غور در تاریخ و تبار ایده‌ها و عقیده‌ها یعنی کشف محدودیت‌های نظری و عملی آدمی و نیز اثرپذیری و اثرگذاری متقابل عقیده و شرایط تاریخی - سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. بنیادگرایان دشمنان تاریخی‌نگری هستند، زیرا عقیده را موجودی ماوراطبیعی و مجرد و منزله می‌پندارند و آن را ورای اثرپذیری از شرایط انسانی و تاریخی می‌شمرند. تقابل میان نگرش الاهیاتی و نگرش تاریخی، رویارویی بنیادینی است که در عمل، به دو نظام اجتماعی و سیاسی یک‌سر متفاوت خودکامه یا مداراگر می‌انجامد.

پانویس‌ها:

[1] مدرسی طباطبایی، حسین، مکتب در فرایند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه‌ی هاشم ایزدپناه، انتشارات کویر، تهران، 1386

Modarressi, Hossein, Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam, Abu Ja'far ibn Qiba al-Razi and His Contribution to Imamite Shi'ite Thought, The Darwin Press INC. Princeton, New Jersey, 1993.

2 متن مصاحبه آنلاین در دسترس است:

<http://eboard.ir/000031.php>

3 برای کتاب‌شناسی تقریباً جامعی از حسین مدرسی طباطبایی بنگرید به:

<http://tazkereh.kateban.com/entry519.html>